

روی موج کوتاه

اسلامی:

درحال صادرات محصولات هسته‌ای هستیم

رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: حدود ۵۶ کشور متقاضی محصولات ما هستند. در خصوص آن‌هایی که به مشکل تحریمی حمل و نقل نخوردند، در حال صادرات هستیم. برای آن‌هایی مشکلات تحریمی حمل و نقل داشتند به دنبال راه حل هستیم که بتوانیم آن‌ها را به‌دست‌مصرف‌کننده‌های ما تبدیل کنیم. محصولات تولیدی ما هم‌راهِ تولیدات آب‌سنگین و مشتقات آب سنگین است که حدود ۵۶ کشور متقاضی محصولات ما بودند و هستند. وی ادامه داد: تراز محصولات ما جهانی است و بازار جهانی دار و این تقاضاها رو به گسترش است. برنامه‌هایی هم از متقاضیان در یافت می‌کنیم و آن‌ها می‌خواهند مصرف‌کنندگان محصولات ما باشند.

□□□

انتقاد معاون سیاسی سپاه از اظهارات سیاسیون در دیدار با پز شکیان؛

درخواست مذاکره مجدد با آمریکا جای تامل دارد

معاون سیاسی سپاه در یادداشتی نوشت: باتوجه‌به پیشینه مذاکرات با آمریکا و دید عمیقی این کشور نسبت به تعهداتش، باز همه‌مهم‌تر اینکه آمریکا روزی هم صهیونیستی با تصمیم ترامپ در میانه مذاکرات به ایران حمله نظامی کردند؛ درخواست مذاکره مجدد با آمریکا از نسوی چند چهره حزبی سیاسی، بسیار جای تامل دارد. به گزارش دیدهبان ایران، سردار یدالله جوانی در وبسایت بصیرت متعلق به معاونت سیاسی سپاه ادامه داد: نادیده گرفتن واقعیت‌های سیاسی صحنه بین‌المللی باز یاده خواهی‌های ترامپ از یک سو، نادیده‌انگاشتن منافع ملی از دیگر نسوی، در این درخواست به‌وضوح دیده می‌شود. به گفته وی، اما آنچه در آن جلسه حائز اهمیت بود، پاسخ منطقی رئیس‌جمهور به درخواست غیر منطقی این افراد بود.

□□□

عضو فراکسیون مستقلین:

طرح محدود کردن شبکه‌های نمایش خانگی در مجلس کلید خورد
عضو فراکسیون مستقلین مجلس، گفت: در حال حاضر نمایندگان در حال جمع‌آوری امضا برای طرح محدودیت‌های شبکه‌های رسانه‌ای اجتماعی هستند. مصطفی پوردهقان، در گفت‌وگو با اوش تصریح کرد: این یک طرح اولیه‌است. به عبارت دیگر طرح اولیه‌ای به ذهن یکی از نمایندگان رسیده و ارائه شده است. بنده کلیات طرح را مشاهده کردم و در جزئیات آن نشدم. اینکه شبکه‌نمایش خانگی توسعه پیدا کرده مردم هم از آن استقبال کردند و زوئی در حوزه فرهنگ و هنری ایجاد شده، برخی راناراحت کرده‌است.

□□□

اعدام عقیل کشاورز
به جرم جاسوسی برای اسرائیل
حکم اعدام عقیل کشاورز به جرم جاسوسی به نفع اسرائیل و ارتباط و همکاری اطلاعاتی با رژیم و تصویر برداری از اماکن نظامی و امنیتی، پس از تأیید در دویز عالی کشور و طی تشریفات قانونی صبح دپروز اجرا شد. به گزارش میزان، بانجام تحقیقات از زندگی شخصی و خانوادگی متهم مشخص می‌شود که اعضای خانواده وی دارای گرایش‌های سلطنت‌طلبانه بوده و عموی وی دارای سابق عقویت و هواداری از گروهک تروریستی منافقین بوده است. جاسوس مוסاد پیشتر هم عملیات‌هایی را برای گروهک تروریستی منافقین انجام داده‌بوده‌است که ادامه‌به آنها اشاره خواهدشد.

□□□

اشرف برو جردی درگذشت
«شرف برو جردی»، فعال سیاسی شناخته‌شده اصلاح‌طلب و خواهر «عزالدین برو جردی» نماینده استان خنج، گراش، اوز و جویم و نخستین زنی که به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران رسیده‌بود، در فانی روادع گفت. او که متولد ۱۳۳۶ و نوه آیت‌الله علی محمد برو جردی بود، از چهره‌های شاخص جریان اصلاح‌طلبی و از فعالان حوزه زنان و حقوق مدنی در ایران به‌شمار می‌رفت.

□□□

دهقانی فیروز آبادی، جایگزین علی باقری کنی شد
«سید جلال دهقانی فیروز آبادی» به‌عنوان دبیر جدید شوروی راهبردی و روابط خارجی منصوب شد. «سید کمال خرازی»، رئیس شوروی راهبردی و روابط خارجی، دپروز (شنبه) در حکمی «سید جلال دهقانی فیروز آبادی» را به عنوان دبیر شوروی راهبردی و روابط خارجی منصوب کرد. دبیری شوروی راهبردی و روابط خارجی را پس از «سید عباس عراقچی»، «علی باقری» برعهده‌داشت که پس از انتصاب وی به عنوان معاون امور بین‌الملل دبیر خانه شوروی عالی امنیت ملی، «سید جلال دهقانی فیروز آبادی» به جانشینی ایشان انتصاب و مشغول به کار شد.

□□□

کنا به سیدصادق حسینی با ماجرای شکدم: انقلابی مذاب عامل نفوذ می‌شود

نهر روزنامه‌نگار منتقد
یک‌روزنامه‌نگار به‌گفت‌وگویی کاترین شکدم با تلویزیون ایران اینتر نیشنال فرستاده از شبکه اجتماعی ایکس همراه با تصویری از کاترین بی‌شکدم در مصاحبه با ایران اینتر نیشنال نوشت: «ما که نمی‌دانیم با عاملان ورود نفوذ کاترین بی‌شکدم در ایران سر‌خورد شده یا نه! اما کاش برادران یاد بگیرند: انقلابی‌های مذاب و دایه‌های مهربان تر مادر و کاسه‌های داغ از آش «همواره عامل نفوذ هستند» نه روزنامه‌نگار و فعال سیاسی که علنی انتقادی‌می‌کنند و شما نظرش را نمی‌پسندید.»

□□□

احمد موسوی رئیس بنیاد شهید شد
مسعود پز شکیان، رئیس‌جمهور، در حکمی احمد موسوی را به عنوان معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثار گران منصوب کرد. موسوی مدرس حوزه و دانش‌گاه است و پیش از این در سال‌های ۹۲ تا ۹۱ رئیس سازمان حج و زیارت بود و در سال‌های ۸۶ تا ۹۰ نیز به‌عنوان سفیر ایران در سوریه مسئولیت‌داشته‌است. حضور دوساله در معاون حقوقی رئیس‌جمهوری در دولت اول محمود احمدی‌نژاد و نمایندگی سه‌دهه در مجلس شورای اسلامی (سوم، چهارم و هفتم) از دیگر سوابق موسوی است.

وقتی کافه‌ها، بهانه جدال بر سر آینده سیاسی ایران می‌شوند؛

مساله، یک فنجان قهوه نیست!

نهاد فرخی

تهران این روزها شلوغ‌تر از همیشه نفس می‌کشد؛ شهری که خیابان‌هایش زیر بار تورم، ترافیک و اضطراب خم شده‌اند، اما هنوز در گوشه و کنارش، چراغ کافه‌هایی روشن است که جوانان را برای ساعتی کوتاه دور یک میز جمع می‌کند.

برای بسیاری، این کافه‌ها نه‌نماد تجمل‌اند و نه بی‌فیدی؛ فقط پناهگاهی موقت‌اند از فشار زندگی. اما همین پناهگاه‌های کوچک، حالا به موضوع یک نزاع سیاسی بزرگ تبدیل شده‌اند. نزاعی که با چند جمله از سعید جلیلی در باره «کافه‌های فراوان تهران» دوباره شعله‌ور شده و پرده از شکافی عمیق‌تر در سیاست داخلی ایران برمی‌دارد؛ شکافی میان دو نگاه به جامعه، سبک زندگی و حتی مفهوم «توسعه».

یک ویدئو، یک پرسش و یک جدال قدیمی

انتشار ویدئویی از سخنان سعید جلیلی، نماینده‌هبری در شورای عالی امنیت ملی، کافی بود تا بار دیگر یک مناقشه آشنادر فضای عمومی ایران زنده‌شود. جلیلی در این ویدئو، با اشاره به افزایش تعداد کافه‌ها در مسیر تردد روزانه‌اش، از شکل‌گیری «یک فرهنگ جدید» و «یک سبک زندگی» سخن گفت و بر رسیدن این کافه‌ها «با چه نگاهی» شکل گرفته‌اند و «بعناات و آثارشان چیست»، او حتی با رافرت گذاشت و گفت که در این سبک زندگی، «دیگر لازم نیست خانواده دور هم باشند؛ تنها پر و آنجا دو سه ساعت باش و بیرون».

این جملات، در نگاه اول شاید شبیه یک دغدغه فرهنگی یا اخلاقی به نظر برسند؛ اما واکنش‌های گسترده در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نشان داد که موضوع، فراتر از قهوه و کافه‌است.

از سویی دیگر با نیت توجه‌داشت که این اظهارات نباید تنها به عنوان دغدغه‌ای فرهنگی یا اخلاقی تلقی شود؛ چرا که بررسی دقیق‌تر مواض گذشته سعید جلیلی و جریان سیاسی نزدیک به او نشان

ده مخالفت سرسختانه با هر گونه توافق و تعامل بین‌المللی انجام‌یافته حتی زمانی که بخش بزرگی از جامعه امیدوار بود چنین توافقی‌هایی بتواند از فشار اقتصادی بکاهد. در اقتصاد، این جریان معمولاً با رشد خدمات، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سازو کارهای بازار رابطه‌ای بر تنش‌داشته و بیشتر بر الگوهای کنترلی و دولتی تأکید کرده‌است. در حوزه فرهنگ و اجتماع نیز، هر چه‌نظهور، از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا سبک پوشش و حالا کافه‌ها، اغلب با برچسب «انحراف» یا «تهدید» مواجه شده‌است.

شده‌است.

این جدال‌ها، در این چارچوب، یک نزاع بر سر کافه‌ها در نهایت، زایع نمادین است. مساله، یک فنجان قهوه نیست؛ مساله، آینده سبک زندگی، نوع رابطه حاکمیت با جامعه و چگونگی مواجهه سیاست با تغییر است. این که سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

گفت و گو

می‌دهد که این سخنان بخشی از یک الگوی فکری منسجم‌تر است؛ الگویی که با تحول، تغییر و توسعه در اشکال مختلف آن مسئله دارد. برای فهم بهتر این موضع‌گیری، باید به سابقه فکری و سیاسی جریان منتسب به سعید جلیلی توجه کرد.

این جریان، چه در عرصه سیاست خارجی، چه در حوزه اقتصاد و چه در میدان فرهنگ، همواره نگاهی بدبینانه به مفهوم توسعه داشته‌است. توسعه در این نگاه، نه یک فرآیند تک‌رئجی و ضروری برای بهبود کیفیت زندگی مردم، بلکه پدیده‌ای مشکوک و حتی تهدیدآمیز تلقی می‌شود.

کافه؛ یک فضا یا یک نماد سیاسی؟

اما از نسوی دیگر کافه در تهران امروز، صرفاً یک محل نوشیدن قهوه نیست. در شهری که از کمبود فضاهای عمومی رنج می‌برد، کافه‌ها به جایگزینی غیررسمی برای پارک‌ها، فرهنگسراها و حتی خانه‌هایی تبدیل شده‌اند که دیگر امکان جمع شدن در آنها کمتر فراهم‌است.

جوانانی که با بحران بیکاری، ناامنی شغلی، گرانی مسکن و فشارهای اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، راه کافه را به‌عنوان یکی از معهود فضاهای قابل دسترس برای گفت‌وگو، معاشرت و نفس کشیدن انتخاب کرده‌اند. در نگاه سعید جلیلی و جریان فکری نزدیک به او، همین فضا به‌نمادی از یک «سبک زندگی مشکوک» تبدیل می‌شود؛ سبکی که به‌رغم آن‌ها با خانواده سنتی، ارزش‌های فرهنگی مطلوب و نظم اجتماعی مورد نظر شان در تعارض است و این‌جاست که کافه‌ها، یک پدیده اجتماعی به یک مساله سیاسی ارتقا پیدا می‌کند.

سابقه یک نگاه و بدبینی به تغییر
برای فهم مواضع اخیر جلیلی، باید آن را در بستر فکری و سیاسی گسترده‌تری دید. فراتر از قهوه و کافه، مساله‌ها که نسبت به مفهوم تغییر و توسعه، نگاهی محتاطانه و اغلب بدبینانه دارد، این بدبینی، محدود به حوزه فرهنگ نیست و در سیاست خارجی، اقتصاد و اجتماع نیز بارها خود را نشان

ده کرده‌است.
مخالفت سرسختانه با هر گونه توافق و تعامل بین‌المللی انجام‌یافته حتی زمانی که بخش بزرگی از جامعه امیدوار بود چنین توافقی‌هایی بتواند از فشار اقتصادی بکاهد. در اقتصاد، این جریان معمولاً با رشد خدمات، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سازو کارهای بازار رابطه‌ای بر تنش‌داشته و بیشتر بر الگوهای کنترلی و دولتی تأکید کرده‌است. در حوزه فرهنگ و اجتماع نیز، هر چه‌نظهور، از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا سبک پوشش و حالا کافه‌ها، اغلب با برچسب «انحراف» یا «تهدید» مواجه شده‌است.

شده‌است.

این جدال‌ها، در این چارچوب، یک نزاع بر سر کافه‌ها در نهایت، زایع نمادین است. مساله، یک فنجان قهوه نیست؛ مساله، آینده سبک زندگی، نوع رابطه حاکمیت با جامعه و چگونگی مواجهه سیاست با تغییر است. این که سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

نوععزایی

استثنا نیست؛ بلکه ادامه همان خط فکری است که تغییر را نه فرصتی برای مدیریت و سیاست‌گذاری، بلکه خطری برای مپار می‌بند.

توسعه‌ه‌راسی یا دغدغه فرهنگی؟

یکی از مهم‌ترین نقدهایی که به سخنان جلیلی وارد شده، فقدان هر گونه راهکار ایجابی است. اگر افزایش کافه‌ها نشانه یک مشکل است، راه‌حل چیست؟

آیا جایگزینی برای نیازهای اجتماعی جوانان پیشنهاد می‌شود؟ آیا فضاهای عمومی سالم، ارزان و در دسترس طراحی شده‌اند که بتوانند این نقش را ایفا کنند؟ پاسخ روشن است: نه.

آنچه بیشتر دیده می‌شود، نغی پدیده موجود بدون ارائه دلیل عمیق است. این همان الگویی است که پیش‌تر نیز در حوزه‌های دیگر تکرار شده؛ مخالفت با توافق‌های بین‌المللی بدون ترسیم مسیر پارک‌ها، فرهنگسراها و حتی خانه‌هایی تبدیل شده‌اند که دیگر امکان جمع شدن در آنها کمتر فراهم‌است.

جوانانی که با بحران بیکاری، ناامنی شغلی، گرانی مسکن و فشارهای اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، راه کافه را به‌عنوان یکی از معهود فضاهای قابل دسترس برای گفت‌وگو، معاشرت و نفس کشیدن انتخاب کرده‌اند. در نگاه سعید جلیلی و جریان فکری نزدیک به او، همین فضا به‌نمادی از یک «سبک زندگی مشکوک» تبدیل می‌شود؛ سبکی که به‌رغم آن‌ها با خانواده سنتی، ارزش‌های فرهنگی مطلوب و نظم اجتماعی مورد نظر شان در تعارض است و این‌جاست که کافه‌ها، یک پدیده اجتماعی به یک مساله سیاسی ارتقا پیدا می‌کند.

جوانانی که با بحران بیکاری، ناامنی شغلی، گرانی مسکن و فشارهای اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، راه کافه را به‌عنوان یکی از معهود فضاهای قابل دسترس برای گفت‌وگو، معاشرت و نفس کشیدن انتخاب کرده‌اند. در نگاه سعید جلیلی و جریان فکری نزدیک به او، همین فضا به‌نمادی از یک «سبک زندگی مشکوک» تبدیل می‌شود؛ سبکی که به‌رغم آن‌ها با خانواده سنتی، ارزش‌های فرهنگی مطلوب و نظم اجتماعی مورد نظر شان در تعارض است و این‌جاست که کافه‌ها، یک پدیده اجتماعی به یک مساله سیاسی ارتقا پیدا می‌کند.

سابقه یک نگاه و بدبینی به تغییر
برای فهم مواضع اخیر جلیلی، باید آن را در بستر فکری و سیاسی گسترده‌تری دید. فراتر از قهوه و کافه، مساله‌ها که نسبت به مفهوم تغییر و توسعه، نگاهی محتاطانه و اغلب بدبینانه دارد، این بدبینی، محدود به حوزه فرهنگ نیست و در سیاست خارجی، اقتصاد و اجتماع نیز بارها خود را نشان

ده کرده‌است.
مخالفت سرسختانه با هر گونه توافق و تعامل بین‌المللی انجام‌یافته حتی زمانی که بخش بزرگی از جامعه امیدوار بود چنین توافقی‌هایی بتواند از فشار اقتصادی بکاهد. در اقتصاد، این جریان معمولاً با رشد خدمات، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سازو کارهای بازار رابطه‌ای بر تنش‌داشته‌نشاند که نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی، نه تنها به اصلاح رفتارها منجر نمی‌شود، بلکه شکاف میان سیاست‌گذاران و جامعه را عمیق‌تری می‌کند.

واکنش جوانان؛ شکاف نسلی دوباره عیان می‌شود
در این میان اما واکنش‌ها به سخنان جلیلی، به‌ویژه در میان جوانان، قابل تأمل بود. برای بسیاری از آن‌ها، کافه‌نشینی نه نظارت و بر خورد قانونی با مراکز فاقد مجوز و متخلف الزامی است. کافه‌هایی که مجوز ندارند بدون مجوز قانونی فعالیت می‌کنند، باید از نسوی اتحادیه و مسئولین ذی‌ربط با آنها برخورد شود. اما باید در استناد اولاً کافه‌های بدون مجوز فعال نداشته باشیم و ثانیاً کافه‌های دارای مجوز، به‌یادگاهی برای نشر و گسترش فرهنگ عمومی، انقباط، قانون‌مداری و اخلاق در جامعه تبدیل شوند»

این احساس، تازه نیست. شکاف نسلی و فرهنگی میان بخشی از حاکمیت و جامعه شهری، سال‌هاست که وجود دارد و هر بار با موضوعی تازه، از پوشش و موسیقی گرفته تا اینترنت و حالا کافه‌ها، دوباره خود را نشان می‌دهد. شکافی که حالا عملاً جوانان و بخش بزرگی از شهروندان ایرانی را اسیاست‌گریز کرده‌است.

دور و یکره، دو سیاست؛ دولت پز شکیان در برابر تندروها
اماد نقطه مقابل این نگاه، مواضعی قرار دارد که از سوی دولت مسعود پز شکیان و برخی چهره‌های نزدیک به آن بیان شده است. افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات، تغییر ساختار خانواده، کاهش ازدواج، افزایش سن فرزندآوری و تحول الگوهای مصرف، همگی نشانه‌های یک دگرگونی عمیق‌اند. کافه‌ها، تنها یکی از نمودهای قابل مشاهده این تغییرات‌اند؛ نمودی ساده، روزمره و به‌ظاهر کم‌اهمیت، اما پر معنا.

مخالفت با این پدیده‌ها، در عمل به معنای مخالفت با واقعیت اجتماعی موجود است. واقعیتی که نه با دستور قابل حذف است و نه با انتقاد از بالا، تجربه سال‌های گذشته نشان داده که نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی، نه تنها به اصلاح رفتارها منجر نمی‌شود، بلکه شکاف میان سیاست‌گذاران و جامعه را عمیق‌تری می‌کند.

واکنش جوانان؛ شکاف نسلی دوباره عیان می‌شود
در این میان اما واکنش‌ها به سخنان جلیلی، به‌ویژه در میان جوانان، قابل تأمل بود. برای بسیاری از آن‌ها، کافه‌نشینی نه نظارت و بر خورد قانونی با مراکز فاقد مجوز و متخلف الزامی است. کافه‌هایی که مجوز ندارند بدون مجوز قانونی فعالیت می‌کنند، باید از نسوی اتحادیه و مسئولین ذی‌ربط با آنها برخورد شود. اما باید در استناد اولاً کافه‌های بدون مجوز فعال نداشته باشیم و ثانیاً کافه‌های دارای مجوز، به‌یادگاهی برای نشر و گسترش فرهنگ عمومی، انقباط، قانون‌مداری و اخلاق در جامعه تبدیل شوند»

واکنش جوانان؛ شکاف نسلی دوباره عیان می‌شود
در این میان اما واکنش‌ها به سخنان جلیلی، به‌ویژه در میان جوانان، قابل تأمل بود. برای بسیاری از آن‌ها، کافه‌نشینی نه نظارت و بر خورد قانونی با مراکز فاقد مجوز و متخلف الزامی است. کافه‌هایی که مجوز ندارند بدون مجوز قانونی فعالیت می‌کنند، باید از نسوی اتحادیه و مسئولین ذی‌ربط با آنها برخورد شود. اما باید در استناد اولاً کافه‌های بدون مجوز فعال نداشته باشیم و ثانیاً کافه‌های دارای مجوز، به‌یادگاهی برای نشر و گسترش فرهنگ عمومی، انقباط، قانون‌مداری و اخلاق در جامعه تبدیل شوند»

این احساس، تازه نیست. شکاف نسلی و فرهنگی میان بخشی از حاکمیت و جامعه شهری، سال‌هاست که وجود دارد و هر بار با موضوعی تازه، از پوشش و موسیقی گرفته تا اینترنت و حالا کافه‌ها، دوباره خود را نشان می‌دهد. شکافی که حالا عملاً جوانان و بخش بزرگی از شهروندان ایرانی را اسیاست‌گریز کرده‌است.

این شکاف، به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی، پررنگ‌تر می‌شود. تجربه شهروندان در دستور کار آنان قرار دارد. این تفاوت لحن و رویکرد، نشانه یک اختلاف جدی در سیاست داخلی ایران است؛ اختلافی میان نگاهی که به دنبال مدیریت واقعیت اجتماعی است و نگاهی که ترجیح می‌دهد آن را نغی با محدود کند.

انتخابات، شکست و فشار اجتماعی
این شکاف، به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی، پررنگ‌تر می‌شود. تجربه شهروندان در دستور کار آنان قرار دارد. این تفاوت لحن و رویکرد، نشانه یک اختلاف جدی در سیاست داخلی ایران است؛ اختلافی میان نگاهی که به دنبال مدیریت واقعیت اجتماعی است و نگاهی که ترجیح می‌دهد آن را نغی با محدود کند.

انتخابات، شکست و فشار اجتماعی
این شکاف، به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی، پررنگ‌تر می‌شود. تجربه شهروندان در دستور کار آنان قرار دارد. این تفاوت لحن و رویکرد، نشانه یک اختلاف جدی در سیاست داخلی ایران است؛ اختلافی میان نگاهی که به دنبال مدیریت واقعیت اجتماعی است و نگاهی که ترجیح می‌دهد آن را نغی با محدود کند.

انتخابات، شکست و فشار اجتماعی
این شکاف، به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی، پررنگ‌تر می‌شود. تجربه شهروندان در دستور کار آنان قرار دارد. این تفاوت لحن و رویکرد، نشانه یک اختلاف جدی در سیاست داخلی ایران است؛ اختلافی میان نگاهی که به دنبال مدیریت واقعیت اجتماعی است و نگاهی که ترجیح می‌دهد آن را نغی با محدود کند.

شده‌است.

این جدال‌ها، در این چارچوب، یک نزاع بر سر کافه‌ها در نهایت، زناعی نمادین است. مساله، یک فنجان قهوه نیست؛ مساله، آینده سبک زندگی، نوع رابطه حاکمیت با جامعه و چگونگی مواجهه سیاست با تغییر است. این که سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

مواضع سعید جلیلی و جریان سیاسی نزدیک به او را انکار نمی‌کنند
اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

شماره ۲۰۷۹ / یکشنبه ۳۰ آذر ۱۴۰۴ / ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۲۱ دسامبر ۲۰۲۵



مسله اصلی: ترس از توسعه
اگر همه این مواضع را نیز کنار هم بگذاریم، یک الگوی تکرار شونده آشکار می‌شود. الگویی که در آن، توسعه، چه اقتصادی، چه اجتماعی و چه فرهنگی با سوظن‌نگر ریسته می‌شود. در این نگاه، تغییر همواره تهدید است و نه فرصت و جامعه‌مطلوب جامعه‌ای ایستا کنترل شده و قابل پیش‌بینی است؛ حتی اگر این ایستایی، به‌قیمت‌نازاییتی و فاصله گرفتن مردم از سیاست و سیاستمدارانش تمام شود و عجیب نیست که بارها گفته شده یک گروه از جناح تندرو درون ایران، انتفا از سرخوردگی شهروندان برای حضور در انتخابات و سیاست زدگی است که سود می‌برد.

اماد مقابل این رفتار جناح تندرو؛ جامعه ایران، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، مسیر تحول خود را طی می‌کند؛ چه سیاست‌گذاران بخواهند چه نخواهند. کافه‌ها، فضاهای عمومی و اشکال جدید زیست شهری، پاسخ‌هایی طبیعی به نیازهای این جامعه‌اند و نادیده گرفتن مخالفت با این واقعیت‌ها نه توسعه را متوقف می‌کند، نه جامعه را به گذشته‌های می‌گرداند؛ بلکه تنها شکاف میان این «سیاست‌ورزان» و نیازهای مردم را عمیق‌تری می‌کند.

موضوعی فراتر از کافه‌ها
حالا نیز نزاع بر سر کافه‌ها در نهایت، نزاعی نمادین است. مساله، یک فنجان قهوه نیست؛ مساله، آینده سبک زندگی، نوع رابطه حاکمیت با جامعه و چگونگی مواجهه سیاست با تغییر است. این که سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

شده‌است.

این جدال‌ها، در این چارچوب، یک نزاع بر سر کافه‌ها در نهایت، نزاعی نمادین است. مساله، یک فنجان قهوه نیست؛ مساله، آینده سبک زندگی، نوع رابطه حاکمیت با جامعه و چگونگی مواجهه سیاست با تغییر است. این که سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند

اظهارات سعید جلیلی، بار دیگر این سیاست‌گذار، واقعیت اجتماعی را ببیند و برای آن سیاست‌گذاری کند، یا آن را انکار کند و هرزینه‌های انکار را به جامعه تحمیل کند



رژیم مذهبی افراط‌گرا دارد که آن را الهام می‌کند و تئوکران است. کشور را بر می‌دارد و آن نه برای اغفال و تمهین آینده آنها، بلکه برای اطمینان یافتن از این که آب و برق کافی دارند، بلکه از پسول آنها برای حمایت از سازمان‌های تروریستی در سراسر جهان استفاده کرده‌اند.»

روبو هم چنین با مطرح کردن اظهاراتی مداخله‌جویانه درباره روندهای قضایی در ایران در پاسخ به سوالی درباره اجرای برخی احکام اعدام گفت: «برخی از اینها (احکام اعدامی که از نسوی ایران اجرا شده است) پس از جنگ با اسرائیل بود که برخی افراد را بازداشت و به جاسوسی برای اسرائیل متهم کردند، اما مادام‌چار هیچ توهمی نیستیم.»

وزیر امور خارجه آمریکا در حالی با این اظهارات سعی دارد دولت این کشور را حامی مردم ایران جلوه دهد که طبق گزارش‌ها، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا که بخش غذا و دارو را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، مصداق آشکار هدف قرار دادن شهروندان عادی یک جامعه با اهداف سیاسی است.

وزیر خارجه آمریکا:

مشکل ما با ایران فقط بحث موشکی و هسته‌ای نیست

در حالی مدعی تلاش ایران برای دستیابی به سلاح اتمی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در هیچ‌یک از گزارش‌های فنی خود این ادعا را اثبات یا تأیید نکرده‌است. مقامات تهران ضمن تأکید بر این فکوری هسته‌ای ایران بومی و با تکیه بر توان و ظرفیت داخلی توسعه پیدا کرده است اعلام کرده‌اند تولید بوم‌گرای تسلیحات اتمی جایی در کترتین دفاعی آن ندارد. ایران همچنین در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی همواره انواع اشکال تروریسم را محکوم کرده و از پیشگامان مبارزه با تروریسم منطقه‌ای از جمله داعش، که در اسما دروغ از یک جمله حتی در وزیر امور خارجه آمریکا در ادامه با مطرح کردن اظهاراتی مداخله‌جویانه مدعی شد: «هیچ کشوری را نمی‌شناسم که تا این

وزیر امور خارجه آمریکا، گفت: «مشکل ما با رژیم ایران اساساً تمایل آنها به کسب سلاح هسته‌ای و حمایتشان از حمله به کشورهای مسئله‌فشار ای‌ها مردم خودشان است.» به گزارش ایسنا، مارکو رویو، در یک نشست خبری در دیگر ادعای واشنگتن مبنی بر وجود اهداف نظامی در برنامه هسته‌ای ایران و حمایت آن از تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی و تکرار در اف‌روید: ایران در بی دستیابی به سلاح هسته‌ای و حامی تروریسم منطقه‌ای است.

وزیر امور خارجه آمریکا که کشورش در ماه ژوئن با مپارهای ادعایی بی‌اساس رژیم صهیونیستی مبنی بر وجود اهداف نظامی در برنامه هسته‌ای ایران تأسیسات اتمی ایران را در اصفهان، فردو و نظنز بمباران